

مدیران و کارآفرینی دانش آموزان

بازتاب نظرات دبیران مدارس متوسطه دخترانه شهرستان ری

عشرت عابدزاده

معاون دبیرستان شاهد ناحیه ۲ شهرری

پژوهش

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش مدیران در تقویت ابعاد کارآفرینی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهرستان ری است. روش پژوهش، توصیفی از نوع هم‌بستگی است و جامعه آماری این تحقیق، کلیه دبیران زن مدارس عادی (رشته علوم انسانی) و فنی و حرفه‌ای و کارودانش ناحیه یک و دو شهرستان ری به تعداد ۴۵۸ نفر است. از این تعداد براساس فرمول کوکران، تعداد ۲۱۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شده‌اند و پرسش‌نامه محقق ساخته آن شامل ۳۹ سؤال کلی و ۴ سؤال اختصاصی از ویژگی‌های فردی دبیران با مقیاس ۶ گزینه‌ای در قالب طیف لیکرت بود که در اختیار آنان قرار گرفته است. ضریب اعتبار پرسش‌نامه بعد از اجرای آزمایشی آن ۰/۸۹ است. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. نتایج نشان دادند که ارتباط معناداری در سطح $a=0/01$ بین نقش مدیران و تقویت کارآفرینی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهرستان ری ناحیه ۱ و ۲ وجود دارد و هرچه این نقش‌ها پررنگ‌تر شود، به همان نسبت نیز کارآفرینی دانش آموزان در ابعاد مختلف تقویت می‌شود.

کلید واژه‌ها: نقش مدیران، ویژگی‌های کارآفرینی.





مقدمه

آگاهی حرفه‌ای که جزئی از فرآیند طبیعی تکامل هر فرد است، از دوران کودکی آغاز می‌شود و جزء لاینفکی از تکامل انسان است. با وجود این، واگذار کردن دوران ابتدایی تربیت حرفه‌ای فرد، به جریان طبیعی خود، کاری نادرست خواهد بود. این حوزه پیچیده از جریان آماده‌سازی انسان برای زندگی را نمی‌توان به دست حادثه و اتفاق سپرد و آن را باید به‌طور آشکار با دخالت‌های علمی زیر نظر داشت (لوز، ۱۳۷۸).

ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، کار دشوار و پیچیده‌ای است. دانش‌آموزان برای کار و فعالیت به انگیزه‌هایی قوی و بالا نیاز دارند. اگر آنان ماهیت و اهمیت آموزش و پرورش را زیر سؤال ببرند، یا در مورد توانایی آموزش و پرورش در تأمین آتیه‌شان دچار تردید شوند، یا حتی اعتقادشان را به ارزش دروس و مفید و کاربردی بودن آن‌ها از دست بدهند، مدرسه، معلمان و والدین در مورد مسائل انگیزشی آنان با مشکلات مختلفی مواجه خواهند شد.

از سوی دیگر، از آغاز پیدایش آموزش و پرورش رسمی در جوامع تا به امروز تغییرات و تحولات بسیاری در نظام‌های آموزشی روی داده است. وقتی که مردم کشورها در دوره‌های خاص، آموزش و پرورش را قادر به پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات و نیازهای خود نیافته‌اند، به اشکال گوناگون، نارضایتی خود را بروز می‌دهند و توانایی و کارایی مدیران و رهبران آموزش و پرورش را زیر سؤال می‌برند.

بدیهی است امروز به مدیریت‌های نامطلوب و غیرمؤثر، که به از هم گسیختگی آموزش و پرورش منجر می‌گردد، *کتفا نخواهند کرد*. صاحب‌نظران آموزش و پرورش عموماً بر این عقیده هستند که کیفیت مدیریت فعالیت‌های آموزشی، مهم‌ترین شاخص سطح کفایت و اثربخشی کل برنامه‌های آموزشی است، زیرا مدیریت با نقش تعیین‌کننده و مؤثری که در امر هدایت و رهبری فرآیندهای آموزشی و پرورش در جهت هدف‌های آن دارد، هم بالقوه می‌تواند موجب پیشرفت آن گردد و هم موجب *از هم پاشیدگی* آن. بنابراین، باید سرمایه‌گذاری برای آموزش و آماده‌سازی مدیران آموزشی در آموزش و پرورش در اولویت قرار گیرد، به حدی که مؤید پیشرفت و ترقی آموزش و پرورش باشد و موجب رکود یا از هم گسیختگی آن نگردد (نیکنامی، ۱۳۷۷).

واژه کارآفرینی، که به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد (هم در مکالمات روزمره و هم به صورت یک واژه تخصصی در مدیریت و علم اقتصاد) خاستگاهش در قرن ۱۷ در فرانسه است کارآفرین فردی بود که به او مأموریت داده می‌شد تا پروژه بزرگانی خاصی را به عهده بگیرد. این عقیده، مقدمه‌ای است برای توسعه درک ماهیت کارآفرینی. به عهده گرفتن پروژه‌های خاص، نیازمند کارهای خاصی است که در نهایت منجر به دست یافتن به نتایج خاصی می‌شود و این که یک فرد تعهد انجام آن پروژه را به عهده

بگیرد. کارآفرینی، کاری است که کارآفرین انجام می‌دهد. کارآفرین بودن، توصیف صفتی است که چه‌طور فرد کارآفرین متعهد است به کاری که انجام می‌دهد. روند کارآفرینانه که کارآفرین درگیر آن می‌شود، موجب خلق ارزش جدیدی می‌گردد که نتیجه آن محسوب می‌گردد (طالبی، ۱۳۸۷).

افراد کارآفرین دارای ویژگی‌های انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری و کنترل درونی هستند (مک‌کلند، ۱۹۶۱). در گذشته نه‌چندان دور، پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این عقیده بودند که این ویژگی‌ها با آن‌ها متولد می‌شود و فرض اساسی این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی‌یابند (ذبیحی، مقدسی، ۱۳۸۵).

اما امروزه چنین نیست و مک‌کلند، بر این باور است که افراد در تعامل با محیط خود این ویژگی‌ها را می‌آموزند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. نیاز به توفیق: تمایل به برتری یا موفقیت و تلاش برای پیشرفت و نیل به مجموعه‌ای از استانداردها؛

۲. تمایل به ریسک و مخاطره: تمایل به مقدار متوسط از مخاطره، برای شروع یک کسب‌وکار تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهند؛

۳. گرایش به خلاقیت: توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌های منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیرمعمول بین ایده‌های مختلف؛

۴. کنترل درونی: در افرادی که دارای مرکز کنترل درونی هستند، صفات مشخص درونی آنان تعیین می‌کند که در یک موقعیت چه اتفاقی خواهد افتاد؛

۵. نیاز به استقلال: کاری را برای خود انجام دادن و آزادی عمل گذاشتن.

دراکر (۱۹۸۵) معتقد است: خلاقیت و نوآوری با کارآفرینی لازم و ملزوم یکدیگرند، به طوری که کارآفرینی بدون خلاقیت و نوآوری حاصلی ندارد.

کارآفرینان محور توسعه پایدار به شمار می‌آیند، چراکه می‌توانند با اتکا بر ارزش‌های فرهنگی جامعه و بهره‌وری از فناوری و سرمایه‌های زیربنایی، فعالیت‌های اثربخش داشته باشند. کارآفرینان توانایی این را دارند که زمینه‌های کارآمد کردن سیاست‌ها، تعمیق ارزش‌ها و توسعه فناوری‌ها را به همراه آورند. امروزه کارآفرینی، خلاقیت و کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز، سوخت موتور توسعه پایدار به شمار می‌آید. کارآفرینان، در رأس کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیزند، در جست‌وجوی فرصت‌ها هستند و خلاقیت در دستان توانمند آن‌ها اغلب ابزاری است برای موفقیت.

کارآفرینان زمانی می‌توانند بیشترین اثربخشی را در فرآیند

توسعه داشته باشند که مشارکت و فعالیت آن‌ها آزاد و بدون مشکلات و موانع باشد. اگرچه ممکن است قوانین اثرگذار بر حیات کارآفرینان برای رشد و توسعه آن‌ها در سطح نظری، مناسب به نظر برسد، اما توانایی آن‌ها در عرصه عمل محدود می‌شود.

فراهم کردن محیطی خلاق و منعطف برای فعالیت‌های کارآفرینانه به همان میزان ضروری است که توسعه پایدار برای ریشه کردن فقر در جامعه. اگر دولت در برخورد با کارآفرینان دیدگاهی رقابتی نداشته باشد، کارآفرینان می‌توانند تحولات شگرفی را در جامعه به‌وجود آورند.

یک مدیر خلاق و کارآفرین در محیط کاری و سازمانی خود جوی ایجاد می‌کند که افراد دیگر نیز به‌گونه‌ای خلاق، فکر و عمل کنند. ایجاد این جو مستلزم فراهم کردن شرایطی است که افراد به تفکر بپردازند و برای تحقق این امر باید به اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها فرصت دهند تا به روز کنند، زیرا در عصر حاضر میزان توسعه‌یافتگی کشورها را با تعداد کارآفرینان آن کشور ارزیابی می‌کنند (صالحی، ۱۳۸۸).

با تحقیقات متعددی که تأثیر آموزش را بر موفقیت کارآفرینان به اثبات رساند، تأکید بر آموزش، به منظور تربیت افراد برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید، از ابتدای دهه ۱۹۷۰ جدی‌تر شد. به‌طوری که دوره‌های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در طرح برخی از درس‌ها در رشته‌های دانشگاهی باز کردند، بلکه در دوره‌های متفاوت تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز مورد توجه و تأکید جدی قرار گرفتند. کاربلسکی و الستد (۱۹۸۵) معتقدند: این آموزش‌ها باید از دبیرستان شروع شوند تا جوانان مسیر شغلی مناسب خود را انتخاب کنند.

در کشورهای توسعه‌یافته این مفهوم در سطوح اقتصادی جوامع و مردم بسیار جا افتاده و مورد قبول قرار گرفته است، به‌طوری که آرزوی هر فرد جوان و فرد جست‌وجوگر یافتن فرصت تبدیل رؤیاهای خویش به کسب‌وکار، تولید و ارائه محصول و خدمات و سرانجام تبدیل شدن به یک قهرمان کسب‌وکار در صحنه اجتماعی است. در کشور ما این مفهوم باید ابتدا در سطح نخبگان علمی دانشگاه، در صنایع و در سایر بخش‌ها ترویج گردد و سپس طی یک حرکت حساب شده در قالب یک استراتژی جامع نسبت به عمق بخشیدن به سیاست‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی در سطح دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی اقدام شود و در سطح جامعه نیز قهرمانان شایسته کسب‌وکار را، که همواره پیش‌تازان و نوآوران خدمات در کشورند، به جامعه معرفی کنیم، نتیجه این معرفی این

است که جوانان و نوجوانان شایسته این مرز و بوم با الگوبرداری از این قهرمانان و با درک و شناسایی واقعی استعدادهایشان راه تحقق رؤیای آینده خود را هموار کنند و آینده هر چه بهتر و شکوفاتری را برای تحقق سیاست‌های استخدامی، رفاه و عدالت اجتماعی در کشوری توسعه یافته بسازند (همان منبع، ۱۳۸۸).

صاحب‌نظران آموزش و پرورش عموماً بر این عقیده هستند که کیفیت مدیریت فعالیت‌های آموزشی، مهم‌ترین شاخص سطح کفایت و اثربخشی کل برنامه‌های آموزشی است

اهمیت و ضرورت تحقیق

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی *Entreprene* به معنای «متعهد شدن» نشئت گرفته است. واژه‌نامه دانشگاهی وبستر، واژه کارآفرین را این‌گونه تعریف نموده است: کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند (احمدی و درویش، ۱۳۸۷).

امروزه در بیشتر جوامع بر گسترش کارآفرینی به عنوان «موتور رشد و توسعه» اتفاق نظر وجود دارد و به این ترتیب با ورود به قرن ۲۱ کارآفرینی به صورت یک ضرورت در پهنه بین‌المللی شناخته می‌شود. هرچند روی آوردن به کارآفرینی تا حدود زیادی توانست سبب غلبه بر رکود اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته شود، اما این رویکرد هم‌چنان در یافتن پاسخ برای برخی از معضله‌های جوامع ناتوان بود. از طرف دیگر خود به ایجاد بحران‌هایی در سطح جوامع منجر شد که از آن جمله می‌توان به افزایش اختلاف میان غنی و فقیر، اشاره کرد. به این معنا که فاصله معیشتی قابل توجه میان کارآفرینان بزرگ و بدنه سازمانی آن‌ها یا مشتریان کسب‌وکارهایشان ایجاد شد (مقیم، ۱۳۸۹).

با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی در می‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به‌طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود. به بیان دیگر ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. اگرچه در سال‌های گذشته اختراع، جایگاه ویژه‌ای در توسعه کشورها داشته است، اما امروز کارآفرینی، از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی به‌شمار می‌آید. به‌طوری که در غرب و برخی کشورهای دیگر، دو دهه اخیر، دهه‌های طلایی کارآفرینی نام گرفته است. در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، مقوله کارآفرینی اصلی‌ترین منبع توسعه دانسته شده است. با توجه به افزایش رشته‌های دانشگاهی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه اهمیت نظام آموزش و پژوهش در توسعه کارآفرینی و تربیت کارآفرینان بیشتر مشخص می‌شود (اکبری، ۱۳۸۵).

با توجه به رویدادهای متنوعی که در سطوح اجتماعی، فرهنگی و کسب‌وکار رخ داده است، در کشورهای مختلف عنایت خاصی به

بهره گیریم تا این مشکلات را مرتفع سازیم و در نهایت به جامعه‌ای با توسعه پایدار، و غنای فرهنگی و سلامت روانی دست یابیم.

رشد و توسعه اقتصادی در یک نظام، زمانی میسر خواهد بود که افرادی در بین سایر آحاد جامعه با خطرپذیری اقدام به نوآوری کنند و با این کار روش‌ها و راه‌حل‌های جدید جایگزین راهکارهای ناکارآمد و کهن قبل‌ی شود

کارآفرینی چیست؟

کارآفرینی ترجمه واژه Entrepreneur است. این واژه خود از لفظ فرانسوی Entrepreneur به معنای عهده‌دار شدن به کار گرفته شده است. کارآفرین کسی است که سازماندهی، مدیریت و پذیرفتن خطرات یک شرکت تجاری را عهده‌دار می‌شود. امروزه کارآفرین، فردی نوآور یا توسعه‌گراست که فرصت‌ها را تشخیص می‌دهد و آن‌ها را به چنگ می‌آورد، آن فرصت‌ها را به فکرهای عملی قابل فروش تبدیل می‌کند، از طریق پول، زمان و مهارت، از افزودن ارزش و بهره‌گیری از آن‌ها، فرصت‌ها را تحقق می‌بخشد. کارآفرین شتاب‌دهنده تغییرات در جهان تجارت است، او اندیشمندی مستقل است که جرئت می‌کند در محیطی از رویدادهای متداول، متفاوت باشد (کورانکو و هاجتس، ۱۳۸۳).

اصطلاح کارآفرینی Entrepreneur در معنا و مفهوم فعلی را اولین بار ژوزف شومپتر^۱ به کار برد. این اقتصاددان اتریشی‌الصل ساکن آمریکا که او را پدر علم کارآفرینی می‌دانند بر این باور بود که رشد و توسعه اقتصادی در یک نظام، زمانی میسر خواهد بود که افرادی در بین سایر آحاد جامعه با خطرپذیری اقدام به نوآوری کنند و با این کار روش‌ها و راه‌حل‌های جدید جای‌گزین راهکارهای ناکارآمد و کهن قبل‌ی شود.

پیتر دراگر^۲ معتقد است کارآفرین کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌نماید. کارآفرین ارزش‌ها را تغییر می‌دهد و ماهیت آن‌ها را دچار تحول می‌نماید.

هم‌چنین مخاطره‌پذیر است و به درستی تصمیم‌گیری می‌نماید. برای فعالیت خود به سرمایه نیاز دارد، ولی هیچ‌گاه سرمایه‌گذار نیست. کارآفرین همواره به دنبال تغییر است و به آن پاسخ می‌دهد، فرصت‌ها را شناسایی می‌کند. کارآفرینی به عقیده دراگر همانا به کار بردن مفاهیم و فنون مدیریتی، استانداردسازی محصول، به کارگیری ابزارها و فرایندهای طرح‌ها انجام شده است. از نظر اقتصاددانان کارآفرین کسی است که ارزش افزوده ایجاد نماید، یعنی این‌که با زمان و انرژی لازم، سرمایه‌ها را به گونه‌ای به کار گیرد که ارزش آن‌ها و یا محصولات به دست آمده نسبت به حالت اولیه‌اش افزایش یابد (آقا حسین شیرازی، ۱۳۸۷).

کارآفرینی و کارآفرینان می‌شود و تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، به شمار می‌رود. بنابراین، باید شرایطی را فراهم نمود که کارآفرینان بتوانند ابزار وجود کنند و توانایی‌هایشان را به صورت بالفعل درآورند (احمدی و درویش، ۱۳۸۷).

اهمیت کارآفرینی در خلق ثروت و توسعه سازمان‌ها به‌وسیله صاحب‌نظران مختلفی همچون شومپتر ۱۹۳۴، مک‌کلند ۱۹۵۳، کوک و وینتر ۱۹۶۹، کرایزبر ۱۹۷۳، کاسون ۱۹۸۲، لائو ۱۹۶۵، مک‌میلان ۱۹۸۸، کیر چوف ۱۹۸۹، سینگ ۱۹۸۹، شارو و اسکات ۱۹۹۱، بالدوین ۱۹۹۵ و آکس ۱۹۹۷ مورد تأکید قرار گرفته است (مقیمی، ۱۳۸۴).

کارآفرینی از منابع مهم و پایان‌ناپذیر همه جوامع بشری است. منبعی که به توان خلاقیت انسان‌ها بر می‌گردد، از یک سو ارزان و از سوی دیگر بسیار ارزشمند و پایان‌ناپذیر است. امروزه همگان دریافته‌اند که جوامعی که به منابع انسانی متکی بوده‌اند تا به منابع زیرزمینی، در بلندمدت موفق‌تر بوده‌اند. منابع زیرزمینی در کشورهای جهان سوم، با وجود مزیت‌های آن از جمله منابع توسعه‌یافتگی محسوب شده است، در صورتی که نبودن این منابع در بعضی از کشورها باعث شده است تا آن‌ها با استفاده از نیروی فکر، خلاقیت و ابتکار و در یک کلمه «کارآفرینی» از جمله کشورهای پیشرو در جهان کنونی شوند. خصوصاً در عصر حاضر، که عصر دانایی و خلاقیت و عصر تلفیق اندیشه‌ها و ابتکارات است، توجه به کارآفرینی در توسعه و پیشرفت کشورها بسیار اهمیت دارد (اکبری، ۱۳۸۵).

در دهه‌های اخیر تحقیقات کارآفرینی در آمریکا، اروپا و آسیای جنوبی و شرقی گسترش زیادی یافته است. در ایران نیز در چند سال اخیر کارآفرینی به لحاظ عامل ایجاد اشتغال و هم به لحاظ نقش آن در توسعه اقتصادی کشورها و همچنین به جهت بحث خصوصی‌سازی و مدیریت بهینه منابع کشور مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، کشورهای پیشرفته از مدت‌ها قبل و بخشی از کشورهای در حال توسعه به‌تازگی بهره‌گیری از کارآفرینی را در دستور کار خود قرار داده‌اند، این توجه در قالب تدوین استراتژی‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عملی جهت بسط و تقویت روحیه و رفتار کارآفرینی، آموزش و مشاوره آن ظاهر گردیده و باعث ایجاد فضای مساعدتری برای فعالیت‌های گوناگون شده است (صالحی، ۱۳۸۸).

به‌طور کلی، مفهوم کارآفرینی در ایجاد فرصت‌های شغلی نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند و به منزله یک راهکار اساسی باید به آن توجه نمود. تحقیقات نشان داده است که بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرینان در یک کشور هم‌بستگی مثبت وجود دارد، زیرا کشوری که دارای تعداد فراوانی کارآفرین باشد، از محرک‌های تجاری و اقتصادی قوی‌تری برخوردار است. لذا با توجه به تعداد زیاد خروجی‌ها در آموزش و پرورش و نبودن تطابق بین تحصیلات و حرف، مسئولین آموزش و پرورش و از همه مهم‌تر مدیران مدارس لازم است از نقش‌های متفاوت خود (رهبری، کارآفرینی، نظارتی)

کار آفرین کیست؟

کار آفرینان، پیشگامان موفقیت‌های تجاری کنونی هستند. توانایی آن‌ها در بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت آن‌ها در قبال موفقیت، به معیاری تبدیل شده است که کار آفرینی نوین توسط آن سنجیده می‌شود. کار آفرینان کماکان به لحاظ رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی پژوهشی و توسعه‌ای ایجاد شغل، رقابت، بهره‌وری و تشکیل صنایع جدید، سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند. کار آفرینان، فرصت‌هایی را تشخیص می‌دهند، که در دیگران وضعیتی بغرنج یا آشفته جلوه می‌کند. آن‌ها را با ورزشکاران رقیب، در مسابقات المپیک مقایسه کرده‌اند که سعی در از میان بردن موانع جدید دارند، هم‌چنین با دوندگان دو استقامت که با فواصل طولانی سر و کار دارند، با رهبران ارکستر سنفونی، که مهارت‌ها و اصوات مختلف را در قالب یک کلیت واحد و موزون درمی‌آورند، یا با خلبان جنگنده‌ها که سرعت و جسارت را توأمان دارا هستند مقایسه می‌کنند. هر احساسی که نسبت به آن‌ها داشته باشید، آن‌ها قهرمانان بازار کار امروز هستند. جهان کنونی در جهتی گام برمی‌دارد که کار آفرینی را به صورت الگویی برای توسعه اقتصادی می‌پذیرد، نیروی کار آفرینان، جهان تجارت را به پیش می‌راند، آن‌ها با شناخته‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند و پیوسته در حال آفرینش آینده‌اند (کوراتکو و هاجتس، ۱۳۸۳).

یک کار آفرین فردی توفیق‌گرا، علاقه‌مند و پرنرژی است و مشخصات زیر را داراست:

- کار کردن را دوست دارد و برای رسیدن به اهداف مخاطره می‌کند؛

- خلاق و نتیجه‌گراست؛

- مسئولیت‌پذیر است و آن را با عشق و علاقه می‌پذیرد؛

- اعتماد به نفس دارد؛

- اندیشمند، برنامه‌ریز، مجری و انجام‌دهنده کار است؛

- استعداد مالی دارد و قادر است آینده را پیش‌بینی

کند (هیستریچ و پیترز، ۱۳۸۳).

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

بین نقش مدیران و تقویت کار آفرینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. بین نقش رهبری مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۲. بین نقش رهبری مدیران و ریسک‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۳. بین نقش رهبری مدیران و استقلال‌طلبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۴. بین نقش رهبری مدیران و توفیق‌طلبی دانش‌آموزان رابطه

وجود دارد.

۵. بین نقش رهبری مدیران و تحمل ابهام دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۶. بین نقش کار آفرینی مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۷. بین نقش کار آفرینی مدیران و ریسک‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۸. بین نقش کار آفرینی مدیران و استقلال‌طلبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۹. بین نقش کار آفرینی مدیران و توفیق‌طلبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۱۰. بین نقش کار آفرینی مدیران و تحمل ابهام دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۱۱. بین نقش نظارتی مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۱۲. بین نقش نظارتی مدیران و ریسک‌پذیری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۱۳. بین نقش نظارتی مدیران و استقلال‌طلبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۱۴. بین نقش نظارتی مدیران و توفیق‌طلبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۱۵. بین نقش نظارتی مدیران و تحمل ابهام دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر، توصیفی-هم‌بستگی است. در پژوهش حاضر جامعه آماری عبارت است از کلیه دبیران زن رشته علوم انسانی مدارس عادی، دبیران هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش، آموزش و پرورش شهرستان ری، که طبق آمار به دست آمده شامل ۴۵۸ نفر بوده‌اند. از این تعداد براساس فرمول کوکران تعداد ۲۱۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند و پرسش‌نامه محقق ساخته آن شامل ۳۹ سؤال کلی و ۴ سؤال اختصاصی از ویژگی‌های فردی دبیران بود که در اختیار آنان قرار گرفت. از آنجا که پرسش‌نامه خودساخته در این پژوهش براساس رتبه‌بندی لیکرت طراحی شده بود، برای اعتبار و هم‌سانی درونی آن پس از اجرای آزمایشی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج مذکور حاکی از این است که مقدار آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹ است. برای تجزیه و تحلیل، داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در سطح توصیفی، با استفاده از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی و نمودار دایره‌ای و ستونی داده توصیف شده‌اند و در بررسی فرضیه‌ها نیز ضمن جمع‌بندی سؤالات مربوط به هر متغیر و کتی‌سازی متغیرهای مورد نظر و محاسبه ضریب هم‌بستگی پیرسون بین

متغیرها و ضریب تعیین، به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. هم‌چنین برای تعیین معادله خط رگرسیون از رگرسیون تک‌متغیره و چندمتغیره نیز استفاده شده است.

یافته‌ها

همان‌گونه که در جدول ذیل ملاحظه می‌شود، بین نقش مدیران (نقش رهبری، کارآفرینی، نظارتی) و ابعاد کارآفرینی (خلاقیت، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی، توفیق‌طلبی، تحمل ابهام) دانش‌آموزان هم‌بستگی مثبت و در حد بسیار بالا مشاهده شده است و می‌توان گفت که ارتباط معنی‌داری در سطح $a=0/01$ بین متغیرهای «نقش مدیریتی» و «ابعاد کارآفرینی» وجود دارد و ضریب هم‌بستگی محاسبه شده معنادار بوده و قابلیت تعمیم به جامعه آماری مورد بررسی را داراست. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان اظهار نمود که با افزایش میزان ایفای نقش مدیران، ابعاد کارآفرینی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد.

ماتریس هم‌بستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای «نقش مدیریتی» و «ابعاد کارآفرینی»
بحث و نتیجه‌گیری

نشان می‌دهد بین نقش مدیر و اثربخشی و یادگیری کارآفرینی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این صورت تحقیق یادشده این پژوهش را تأیید می‌کند.

هم‌چنین در داخل، تحقیق مظفری در سال ۱۳۸۵ با عنوان بررسی تأثیر نقش مدیران بر تقویت ابعاد کارآفرینی دانش‌آموزان، که نشان داده بین نقش مدیران و ابعاد کارآفرینی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد، این تحقیق را تأیید می‌کند.

اما در مورد پژوهش‌هایی که در مورد ابعاد کارآفرینی دانش‌آموزان وجود دارد، این تحقیق، با تحقیقات داخل کشور که توسط خدمتی، توسل ۱۳۷۹ با عنوان زمینه‌های بروز پرورش کارآفرینی در بین دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهرستان کرج، عزیززی، ۱۳۸۲ با عنوان زمینه‌های بروز پرورش کارآفرینی در بین دانشجویان، غلامی، ۱۳۸۴ با عنوان عوامل مؤثر فردی بر کارآفرینی دانش‌آموز پسر دوره متوسطه و فنی و حرفه‌ای و کارودانش، میراسماعیلی، ۱۳۸۶ با عنوان مقایسه قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و شاخه‌های نظری و سحر مکرمی، ۱۳۸۷ با عنوان بررسی موانع آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش و تحقیقات خارج از کشور توسط مک کلند ۱۹۶۱، سکستون و کاساردا ۱۹۹۱، هشام حاج و عثمان

ضریب هم‌بستگی سطح معنی‌داری	رهبری	کارآفرینی	نظارتی	خلاقیت	ریسک‌پذیری	استقلال‌طلبی	توفیق‌طلبی	تحمل ابهام
نقش رهبری		۰/۸۳	۰/۸۵	۰/۷۷	۰/۸۳	۰/۸۰	۰/۶۷	۰/۶۷
نقش کارآفرینی	۰/۰۰۱		۰/۸۳	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۷۶	۰/۶۵	۰/۶۱
نقش نظارتی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		۰/۷۶	۰/۷۳	۰/۷۸	۰/۶۲	۰/۵۹
خلاقیت	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۷۳	۰/۶۹
ریسک‌پذیری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		۰/۹۰	۰/۷۳	۰/۷۱
استقلال‌طلبی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		۰/۷۳	۰/۷۱
توفیق‌طلبی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		۰/۸۸
تحمل ابهام	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	

با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی در می‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود

۱۹۹۵، سکستون ۱۹۹۷، هیلز ۱۹۹۸، برون و کارولین ۲۰۰۰، چیک‌پیت‌چو ۲۰۰۲ و هوارد ۲۰۰۴ و بروت و شینار ۲۰۰۸ انجام داده‌اند رابطه مستقیم دارد.

در این تحقیق یک فرضیه اصلی و پانزده فرضیه فرعی وجود دارد. فرضیه اصلی به این صورت مطرح است که بین نقش مدیران و ابعاد کارآفرینی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در تمامی فرضیه‌ها، ارتباط معناداری بین نقش مدیران و ابعاد کارآفرینی دانش‌آموزان در سطح $a=0/01$ مشاهده شده است. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان اظهار نمود که با پررنگ‌تر شدن نقش مدیران (رهبری، کارآفرینی، نظارتی)، ابعاد کارآفرینی دانش‌آموزان (خلاقیت، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی، توفیق‌طلبی، تحمل ابهام) نیز تقویت می‌شود.

تحقیق کاهن و اوشان، که در سال ۲۰۰۴ انجام شده است،

افراد کارآفرین دارای ویژگی‌های انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری و کنترل درونی هستند

پیشنهادها

- با توجه به این که بین نقش مدیران و ابعاد کارآفرینی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضروری است که مسئولان و مجریان تعلیم و تربیت برنامه‌هایی اتخاذ کنند که طبق آن تربیت مدیران براساس ضوابط و ملاک‌هایی انجام گیرد که افراد واجد شرایط و کارآفرین برای آن انتخاب شوند.
- مدیران از طریق اعمال برنامه‌ریزی صحیح، به ایجاد محیط مناسب جهت خلاقیت و کارآفرینی بیشتر دانش‌آموزان بپردازند.
- تشکیل کلاس‌های ضمن خدمت، جهت آشنایی مدیران با مفهوم کارآفرینی و نیز کسب دانش و مهارت لازم برای تشخیص و ایجاد محیط سالم سازمانی ضروری است.
- با توجه به ناآشنایی بعضی از مدیران با نقش خود، پیشنهاد می‌گردد جهت آشنایی مدیران در سطوح مختلف با نقش مدیریتی خود، برنامه‌های مسابقات علمی و... از سوی مسئولین در نظر گرفته شود.
- برای ایجاد ارتباط و زمینه تبادل نظر و مبادله تجربی و هم‌فکری مراکز کارآفرینی در نظام آموزشی با سایر نظام‌های آموزشی در خارج از کشور جهت بهینه‌سازی سیستم آموزشی کارآفرینی از سوی نظام آموزشی اقدام جدی به عمل آید.
- مدیران مدارس بهتر است با استفاده از شیوه‌های برنامه‌ریزی صحیح، جو فراهم آورند که در آن احساس اطمینان، اعتماد، همدردی و دوستی و احساس مهم بودن و شایستگی کارآفرینی در دانش‌آموزان ایجاد گردد.
- عامل کارآفرینی در نظام ارزش‌یابی مدیران از سوی مسئولین نظام آموزشی گنجانیده شود.
- نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کشور باید در جهت مهارت کارآفرینی از مستقیم (آموزش مرتبط با کارآفرینی) و غیرمستقیم (تحول در سیستم آموزشی) در مراکز فنی و حرفه‌ای گام‌های مؤثر بردارد.
- دولت با حمایت خود و اختصاص بودجه بیشتر و نظارت مؤثر مراکز کارآفرینی را تشویق و تقویت نماید.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی بین دانش‌آموزان، واحدهای درسی عملی و نظری و به‌طور توأم را ایجاد نماید.

پی‌نوشت

- Schompiter
- Peter Dru cker

منابع

- اکبری، کرامت‌الله (۱۳۸۵)، توسعه کارآفرینی با رویکرد آموزشی، با همکاری سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان و مرکز کارآفرینی دانشگاه شیراز، انتشارات جهاد دانشگاهی
- احمدی، سیدعلی‌اکبر و درویش، حسن (۱۳۸۷)، مبانی کارآفرینی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، گروه مدیریت دولتی
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۷)، مدیریت عمومی، چاپ سی‌وسوم، تهران، نشر نی
- ایمانی، محمدرضا (۱۳۸۵)، بررسی موانع آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- بدری، احسان (۱۳۸۴)، بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
- تورانسی، حیدر و محمدی، داوود (۱۳۸۹)، مبانی و اصول مدیریت در مدرسه، ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی رشد مدیریت مدرسه، دوره نهم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- حداد عادل، منیژه (۱۳۷۹)، بررسی عوامل مؤثر بر رشد و پرورش کارآفرینان از دیدگاه مدیران صنایع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
- ذبیحی، محمدرضا و مقدسی، علیرضا (۱۳۸۵)، کارآفرینی از تئوری تا عمل، مشهد، نشر جهان فردا
- ذوفن، شهناز (۱۳۸۳)، کاربرد فناوری جدید در آموزش، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت
- شش‌یگانی، مهدی (۱۳۸۹)، ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان ترم آخر آموزشکده فنی و حرفه‌ای بخش کشاورزی استان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
- صالحی، محمد (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر کارآفرینی، چاپ دوم، قائمشهر، انتشارات مهرالنبی
- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، توسعه کارآفرینی، فصل‌نامه علمی-پژوهشی، شماره هشتم، انتشارات دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران
- Brice, Jeff.Jr. (2002), "The Role of personality Dimensions And Occupational Preferences on The Formation Of Entrepreneurial Intentions." The Mississippi State University.
- Howards. (2004). Developing Entrepreneurial potential in Youth: The effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation. University of south Florida Report.pp. 317.
- Hisham, HJ. BADRUL osman. Alang.(1995). Formal and non-formal education and their contributions on Entrepreneurial performance. T.M.S.Dissertation. university. Kebangsaan. Malaysia. (www. Usasbe.org/knowledge/proceedings/).
- Kahn, sanfrd & Osha. Thomas.(2004). The Role of Affect and Expectations in Distance learning. Journal of Entrepreneurship Education.V,1,N1.
- Vesper,K.H.(1993). The state of Entrepreneurship Education International Entrepreneurship Conference Proceeding Dortmund Germany 1992.